

تحلیل نظریه گویی ها از امهات متون نظم فارسی

دکتر احمد گلی^۱

دکتر یدالله نصراللهی^۲

فرشته آهیخته^۳

چکیده

پدیده منسجم ادبیات، بی شک متشکل از اجزائی است که هر کدام از این اجزاء، با درونی شدگی نقش خود در روابطی متقابل با یکدیگر، یاریگر وقوع سامان یافتگی این گستره شده‌اند. آنچه امروزه در زیرشاخه‌های نقد معاصر، به موضوع این روابط و تأثیرها می‌پردازد، گرایشی منتقدانه با مفهوم نقد نفوذ یا ادبیات تأثیر است که تحت مقوله‌های «نقد تکوینی» و «بینامتنیت»، به بررسی تأثیر و چگونگی تکوین یک اثر ادبی پرداخته است. این نحله‌ها با بررسی تطبیق متون «پسامتنی» و آبخشور آن‌ها تحت عنوان «پیش‌متن»، در سایه‌سار عوامل دخیل در روابط بینامتنی چون «بیش‌متن»، «پیرامتن»، «فرامتن»، «سرمتن» و ... سعی بر آن داشته‌اند که میزان، نوع و کیفیت این تأثیر را تعریف و تفسیر کنند. از آنجا که نظریه‌های فارسی بر مدار روابط متأثرانه میان‌متنی شکل گرفته و حیاتی ادبی یافته‌اند، شاخصه‌های بینامتنی این نحله‌ها را می‌توان در میان آن‌ها جستجو کرد، این مقاله با بررسی و تحلیل عناصر میان‌متنی نقد تکوینی و ادبیات بینامتنی در نظریه‌ها، با تقابل متن‌های الگو، نشان داده است که نظریه‌ها با وام‌گیری مصالح زبانی، محتوایی و ادبی از اثر مادر، در گستره و مرز تراگونگی، بینامتنیت و تأثیرات صریح و غیرصریح، نمونه‌ای آشکار از تعامل و بازآفرینی متن مادر ارائه می‌کنند. یافته‌های کلیدی این پژوهش همچنین نشان دادند که نظریه‌ها ضمن حفظ پیوند با متن مادر، امکان نوآوری و خلق هویت مستقل ادبی را دارند و روابط بینامتنی آن‌ها شامل انواع صریح، غیرصریح، ضمنی و تراگونگی است.

کلیدواژه‌ها: نقد نفوذ، ادبیات تأثیر، نقد تکوینی، نظریه‌های فارسی، متون نظم

۱- مقدمه

واژه «تأثیر» در لغت به معنای «اثر و نشان گذاشتن از چیزی است» (دهخدا، ۱۳۸۷: ذیل واژه) و در اصطلاح ادبی، در بر دارنده دو معنای مرتبط: یکی تأثیر روحی و درونی نویسندگان بر روی مخاطبان خود و دیگر، اثرپذیری یک نویسنده از نویسنده دیگر. آنچه این‌جا مد نظر است، معنای دوم این واژه در کنش، تعاملات و ارتباطات ادبی مؤثر مابین گویندگان و نویسندگان ادبی و آثار ایشان است. موضوع اصلی نقد نفوذ بیشتر بر این نکته تکیه دارد که یک اثر ادبی تا چه اندازه و بر مبنای کدامین معیارها به وسیله آثاری که بعد از آن آمده، مورد اخذ و تقلید واقع شده است.

آنچه برای نخستین بار به صورت فعالیت‌های مجزا در رابطه با تأثیر و تبادل متون در نقد معاصر مطرح شد، نخست کار منتقدان ادبی «نقد تکوینی» در چگونگی تولد و تکوین یک اثر بود و بعد از ایشان، نظریه «بینامتنیت» کریستوایی و ژنتی. «نقد تکوینی» مبحثی نوین در نقد معاصر بود که سرچشمه‌ها و فرآیند زایش و تکوین یک اثر را مطالعه می‌کرد (نامورمطلق

^۱ .استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان ah.goli@yahoo.com

^۲ دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان y.nasrollahy@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات غنایی، دانشگاه شهیدمدنی آذربایجان fershtehahikhteh98@gmail.com

و اسدالهی، ۱۳۸۸: ۱۱). اصطلاح «بینامتنیت» نیز نخستین بار در فرانسه و در آثار ژولیا کریستوا^۴ (۱۹۴۱) جرقه خورد و بعد از او در مطالعات مختلف تحت سیطره همین موضوع، در نظریات «ژرار ژنت»^۵ (۱۹۳۰) به بار نشست. ژنت در روابط میان متنی، ارتباط متون را تحت پنج مقوله مهم مورد بررسی قرار داد (ر.ک. نامورمطلق، ۱۳۸۶: ۸۵) که هر کدام از آنها در بررسی و روابط میان متنی آثار و در جهت تبیین ارتباط و حضور یک متن در متن دیگر حائز اهمیت بودند.

در هر دو گونه از نقد ادبی، شاخصه‌های تبیین شده، چارچوب روابط بینامتنی متون و در کل، نقطه آغاز تا انجام شکل‌گیری یک اثر از نطفگی تا تمامیت پدیدآمدن را بر مبنای منبع آن نشان می‌دهند و همین نقطه تلاقی و اشتراک این دو می‌تواند مهم‌ترین محور بررسی در این پژوهش باشد. البته باید اذعان داشت که به دلیل گستردگی متون نظیره‌ای فارسی و زمان‌بر بودن مطالعه و بررسی آنها در فضای اندک این مقاله، به نظیره‌هایی انتخابی به عنوان نماینده سایر تقلیدات رجوع، و تأثیر و روابط در آنها بررسی شده است.

در این پژوهش، متون نظیره‌ای فارسی به صورت انتخابی برگزیده شده‌اند تا نمونه‌هایی نماینده از روند تأثیرگذاری و تقلید میان آثار ادبی ارائه دهند. انتخاب این متون بر اساس اهمیت تاریخی، شناخته‌شدگی و قابلیت تحلیل روابط بینامتنی صورت گرفته است و هدف آن است که الگوهای تأثیر و تبادل ادبی در فضای محدود مقاله به شکل قابل فهم و علمی بررسی شود. این رویکرد امکان می‌دهد تا نقاط اتصال و اشتراک میان آثار اولیه و متأثر از آنها به صورت شفاف و مستدل تحلیل شود.

۲-پیشینه تحقیق: در تعریف و تحلیل تأثیر و روابط متأثرانه بینامتنی در زیرشاخه نقدهایی مانند «نقد تکوینی» و نظریات «بینامتنیت» کریستوایی-ژنتی، کتب و مقالات متنوعی به رشته تحریر درآمده است که هر کدام یا سوژه تعریفی آنها را بررسی کرده یا جنبه‌های تعریفی-تحلیلی نظریات را با تکیه به نمونه‌های فارسی به تفحص نهشته‌اند؛ اما، کاری با عنوان و موضوعیت تطبیق و تحلیل نظیره‌های فارسی بر اساس نقد ادبیات تأثیر و روابط متأثرانه میان‌متنی آنها با متون منبع مادر منطبق با زیرشاخه خلق و تکوین اثر و روابط بینامتنیت، انجام نگرفته است. با این حال، از نمونه تألیفاتی که به صورت کتاب یا مقاله در مورد نقد تکوینی اثر و روابط بینامتنیتی نوشته شده و محقق این تحقیق نیز از آنها به عنوان راهنمای خود در پیش‌برد این نوشتار، بهره گرفته است، می‌توان به این موارد اشاره کرد: «نقد ادبی» عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۶۱)، که در سطوح فرار، با بحث نقد نفوذ و پیشینه آن در ادب اروپا، تحلیلی از زیربناهای آن را به دست داده است؛ «ترامتنیت؛ مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها» از بهمن نامورمطلق (۱۳۸۶) در حوزه بینامتنیت ژنتی، تأثیر و بهره‌برداری متون را تحلیل کرده است و «نقد تکوینی؛ هنر و ادبیات» بهمن نامورمطلق (۱۳۸۸) که به تعریف و تفسیر زیرساخت‌های بینامتنی این نحله همت گماشته. دکتر سید مرتضی میرهاشمی در کتاب نظیره‌های غنایی منظوم که در

واقع گزیده ای از پنج نظیره داستانی است که در قالب منظوم و با موضوعات غنایی و عاشقانه سروده شده اند، نقل خام ابیات برخی از نظیره ها در این اثر آمده است و در این مقاله به برخی از مشترکات و مناسبت ها اشاره رفته است. در مقاله «اثربرداری سعدی از فردوسی بر اساس نظریه بینامتنیت» از نوروزی و دیگران (۱۳۹۳) نویسنده ژن های پنهان مشترک نفوذی برگرفته از شاهنامه را در آثار سعدی بررسی و با اثر مادر تطبیق داده است؛ همچنین، وحید مبارک (۱۳۹۹) در «بررسی اضطراب تأثیر اسدی طوسی از شاهنامه بر اساس دیدگاه هارولد بلوم» تأثیر پذیری مؤلف گرشاسب نامه از فردوسی را تبیین و احساس گریز او این تأثیر را اثبات کرده است. همچنین مرحوم دکتر ذوالفقاری در مقاله هفت پیکر نظامی و نظیره های آن به معرفی ۲۱ اثر از نظیره های هفت پیکر پرداخته است در صورت کلی و تدوین ساختاری این نوشتار بدان نظر داشتیم. و نیز مقاله ای از طاهر رحیم با عنوان بررسی نظیره گویی و استقبال خلاقانه شهریار از غزل های حافظ هست که هر چند به موضوع نظیره گویی پرداخته است، ولی به علت نداشتن تناسب با این نوشتار از آن بهره نبردیم.

- روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه ای انجام گرفته است. در این مسیر، ابتدا مبانی نظری مرتبط با مقوله های نظیره گویی، نقد تکوینی و بینامتنیت استخراج و تبیین شد، سپس، به منظور تحلیل عملی، مجموعه ای از متون شاخص ادبیات منظوم فارسی انتخاب گردید تا با تمرکز بر روابط بینامتنی نظیر صریح، غیر صریح، ضمنی و تراگونی مورد بررسی قرار گیرند.

محدوده این پژوهش متکی بر برجسته ترین متونی است که در سنت ادبی فارسی، الگویی برای نظیره پردازی به شمار می آیند و یا خود به عنوان نظیره بر آثار پیشین شکل گرفته اند. از میان این متون می توان به لیلی و مجنون و خسرو و شیرین نظامی گنجوی و نظیره های آن ها در آثار شاعرانی همچون عبدالرحمن جامی و امیر خسرو دهلوی اشاره کرد. در واقع، این آثار با تعبیر شاهکارهای مسلم ادب فارسی در تاریخ ادبیات ایران پذیرفته شدند و هر کدام پس از خود، دوره های مختلف تاریخ ادبیات را معطوف به خود گردانده اند؛ این نظر در شاخصیت و برجستگی را هم سنت ادبی گذشته و تاثیر پذیری از آن به وضوح اثبات می کند و هم این تشخیص ادبی این شاعران و آثار آنها را می توان در مطاوی نظر و اندیشه محققان ادبی امروز نیز یافت. در کنار این نمونه ها، برخی از غزلیات حافظ و خواجوی کرمانی به عنوان مصادیق بارز نظیره های غنایی و نیز شاهنامه فردوسی و نظیره هایی چون گرشاسب نامه اسدی طوسی به عنوان نمونه های برجسته حماسی مورد تحلیل قرار گرفته اند. انتخاب این آثار بر اساس میزان تأثیر گذاری تاریخی و نمایندگی آن ها از سه حوزه اصلی ادبیات فارسی، یعنی حماسی، غنایی و تعلیمی صورت پذیرفته است تا تصویری جامع و نظام مند از فرایند نظیره گویی در ادبیات کلاسیک فارسی ارائه گردد.

پرسش های تحقیق